

بازماندگی از تحصیل آثار سیاسی در آینده خواهد داشت

در همایش فقر و نابرابری آموزشی مطرح
شد

هشدار يك جمعیت‌شناس درباره
افزایش 30 درصدی تارك تحصیل‌ها:
16 درصد پسران 15 تا 18 ساله
کشور (بیش از 330 هزار نفر)
کار می‌کنند

گروه اجتماعی| وزیر تعاون اسبق درباره تبعات سیاسی بازماندگی از
تحصیل هشدار داد.

علی ربیعی در نشست خبری «تأثیر کرونا بر بازماندگی از تحصیل» که
دیروز به همت دبیرخانه مقابله با فقر و نابرابری آموزشی برگزار
شد ضمن این هشدار گفت: «بازماندگی تحصیلی در ایران و جهان مساله
مهمی است، اما آثار فردایی سیاست‌ها اصلا دیده نمی‌شود که خودش از
آسیب‌های سیاستگذاری امروز ماست و فقر آموزشی و بازماندگی از
تحصیل، آثار سیاسی در آینده خواهد داشت. نسل بدون اجتماعی شدن و
بدون تعلق اجتماعی و بدون مهارت و تحصیل، چالش‌های سیاسی ایجاد
خواهد کرد.»

ربیعی در صحبت‌های خود با اشاره به شرایط اخیر و جریان‌ساز شدن نسل
موسوم به دهه هشتادی‌ها و دهه نودی‌ها در اعتراضات مردمی از روزهای
بعد از جان‌باختن مهسا امینی (دختر 22 ساله سقزی که بعد از
دستگیری توسط گشت ارشاد در شهر تهران و انتقال به بازداشتگاه
وزرا در روز 22 شهریور، دچار مرگ مغزی شد و روز 25 شهریور در
بیمارستان کسری درگذشت)، گفت: «کودک‌انی که به عنوان دهه نودی
امروز آنها را می‌شناسیم در آینده چطور قرار است شناخته شوند؟ دهه

هفتادي و هشتادي وقتي به صحنه‌هاي سياست ورود پيدا كردند با شك روبه‌رو شديم. زماني كه به افراد شالوده‌شكن نگاه مي‌كنيم متوجه نوپديد بودن آنها ميشويم. در عرصه فرهنگي همزيستي مسالمت‌آميز و گفت‌وگوي خرده فرهنگي ناشي از چند سال وقفه اخير، برنامه‌ريزي دقيق مي‌خواهد و اين سال‌ها، سال‌هاي اجتماعي شدن بچه‌هاست كه بايد مورد توجه قرار بگيرد.»

محور صحبت‌هاي ربيعي البته بيشتر متوجه آسيب‌ها و تبعات جبران‌ناپذير افزايش تعداد بازماندگان و تاركان تحصيل بود به خصوص كه حداقل طي دهه اخير و حتي تا امروز هم روشن است كه تمام دختران و پسران تارك و بازمانده از تحصيل، به سبب فقر و محروميت قادر به ادامه تحصيل نشده‌اند كه ربيعي هم با اشاره به اين عامل موثر در افزايش تعداد بازماندگان و تاركان تحصيل افزود: «بازماندگي از تحصيل آسيب بزرگي به طيف‌هاي بزرگ جامعه‌پذيري ميزند. حقيقت اين است كه نسل كم توان در توليد ملي آينده نقش كم‌تري ايفا مي‌كند. اگر به همين منوال پيش برويم در آينده با اين نرخ بازمانده از تحصيل فعلي با نسلي مواجه خواهيم شد كه در فقر قرار خواهند داشت و در آينده نيز عميق‌تر در فقر با ابعاد ديگر فرو خواهند رفت.»

ربيعي افزود: «برخي اتفاقات مختص ايران نيست، اما اين مسائل هم بر ما تاثير مي‌گذارد. گزارش توسعه انساني جهاني اخير مي‌گويد افراد در سال‌هاي اخير پريشان‌تر شده‌اند و نسبت افرادي كه استرس را گزارش مي‌كنند به بيش از ۳۵ درصد رسيده است. فشار رواني تحريم و فقر و علل ديگر در ميزان توسعه انساني در ايران موثر است.»

در ادامه اين نشست خبري، احمد ميدري كه از معاونان وزارت تعاون در دولت دوازدهم بود هم با بيان اينكه فقر آموزشي، خروجي نظام آموزشي بد است، گفت: «در دوره ابتدائي ۲۴۰ هزار دانش‌آموز و در مقطع متوسطه ۷۶۰ هزار نفر مدرسه نمي‌روند و نکته قابل تامل اين است كه ازدواج دختران مشغول به تحصيل در مقطع متوسطه در دوران کرونا بيشتر شد و هم‌اكنون يك ميليون بازمانده از تحصيل در كشور داريم. نتايج آزمون پرلز مي‌گويد ۳۵ درصد از بچه‌هاي ايران در پايه چهارم نمي‌توانند متن ساده را بخوانند يعني سواد پايه آنها همين قدر كم است. آموزش و پرورش متاسفانه آمار دقيق نمي‌دهد و اين آمار را هم از يونيسف گرفته‌ايم (براساس آخرين نتايج آزمون پرلز كه در سال 2016 برگزار شد، يكسوم دانش‌آموزان ابتدائي توانايي كافي براي خواندن و درك مطالب كتاب‌هاي درسي خود را ندارند و در آخرين آزمون پرلز رتبه ايران بين 50 كشور شركت‌كننده 45 است. در آزمون تيمز نيز 32 درصد دانش‌آموزان پايه چهارم و به همين ميزان در پايه هشتم نمره كمتر از 400 را كسب كردند و اين موضوع به معني ضعف شديد

است). این رقم‌ها در سال‌های آینده آسیب بزرگی خواهد بود. باید پوشش ملی برای این مساله انجام شود. اینکه امسال کاری صورت بگیرد که يك ميليون بازمانده از تحصیل به مدرسه برگردند، مهم است.» این اولین بار نیست که درباره تبعات افزایش آمار تارك تحصیل‌ها و بازماندگان از تحصیل هشدار داده می‌شود.

هفته اول شهریور ماه امسال و کمتر از يك ماه پیش از بازگشایی مدارس، مسوولان و وزرای آموزش و پرورش سابق در همایش «فقر و نابرابری آموزشی» علاوه بر اعلام آماری از افزایش تعداد بازماندگان از تحصیل به دلیل فقر و مشکلات معیشتی خانوار، هشدار دادند که گرانی هزینه‌های زندگی در سال‌های اخیر به کاهش ۲۳ درصدی سهم آموزش از سبد خانوار منجر شده است.

در این همایش هم ربیعی با نگاهی به تاثیر فقر در آموزش گفت: «مجموعه مطالعات و نتایج آن، چه در سطح جهانی و چه در سطح ملی نشان می‌دهد آموزش، قلمرویی است که تاثیر بی‌بدیل بر حرکت جامعه در جهت مقابله با ابعاد مختلف نارسایی‌ها، بحران‌ها و حتی نابرابری‌ها و کمک به ایجاد فرصت‌های برابر برای همه دارد. فقر به‌طور کلی محصول نابرابری است و ریشه در آموزش دارد، فقر مساله جهانی دیرین و چالش همه جوامع است و همه دولت‌ها با هر گرایش خواهان کنترل نابرابری و کاستن از فقر بوده‌اند؛ آموزش به دلایل مختلف راه‌حل بنیادی محسوب می‌شود. برای مقابله با همه ابعاد فقر و حتی سیاست‌گذاری بهتر، درنظر گرفتن سیاست‌گذاری آموزشی امری اجتناب‌ناپذیر است. پرداختن به فقر آموزشی، ایجاد فضایی برای غلبه بر مشکلات متعدد است، آموزش، هر چند معلول فقر و نابرابری است، اما يك سیاست‌گذاری صحیح، راهکارهای مقابله با نارسایی‌های بزرگ را به دست می‌دهد. آموزش، هم به مثابه معلول و هم علت نابرابری فقر و هم راهکار مقابله محسوب می‌شود.»

ربیعی با هشدار درباره عمیق‌تر شدن فقر به دنبال تشدید تحریم‌های اقتصادی و شیوع کرونا در کشور گفت که آموزش در ایران قربانی فقر معیشتی و خوراکی شده چنانکه براساس تحقیقات انجام شده، هزینه آموزش از سبد خانوار در سال ۹۸، به میزان ۲۹ درصد و در سال ۹۹، به میزان ۲۳ درصد کاسته شده آن‌هم درحالی که آمار بازماندگی از تحصیل در دوره ابتدایی از ۱۴۰ هزار نفر به ۲۱۰ هزار نفر و در دوره متوسطه به ۷۶۰ هزار نفر رسیده است. در این همایش همچنین اعلام شد که مطابق سالنامه آماری آموزش و پرورش، نرخ بازماندگی از تحصیل در سال تحصیلی

97 - 98 دوره ابتدایی 1.7 درصد، متوسطه اول 6 درصد و متوسطه دوم 18.6 درصد بوده و البته با توجه به تفاوت قابل ملاحظه برخورداري و

محرومیت استان‌ها در کشور، در استانی مانند سیستان و بلوچستان 46 درصد دانش‌آموزان بازمانده از تحصیل هستند.

در این همایش که روز 7 شهریور ماه در تهران برگزار شد همچنین محمدرضا نیک‌نژاد؛ عضو کانون صنفی معلمان با ارایه يك گزارش آماری از وضعیت نابرابری آموزشی در کشور اعلام کرد: «بخش خشن‌تر فقر آموزشی مربوط به ترك تحصیل دانش‌آموزان است و بخش دیگر، نابرابری پنهان به شکل کیفیت پایین آموزش. هم‌اکنون تمام دانش‌آموزان ایران از کیفیت آموزش برخوردار نیستند، سال 98 نسبت دانش‌آموز به معلم در کل کشور 28 به يك بود و این عدد در تهران و البرز 35 و در ایلام، کردستان و کهگیلویه و بویراحمد زیر 20 نفر دانش‌آموز بود؛ در دوره متوسطه اول در جهان نسبت دانش‌آموز به معلم 17، در اروپا 11 و در ایران 27 است. در دوره متوسطه دوم در جهان نسبت دانش‌آموز به معلم 19، در اروپا 13 و در ایران 17 است که البته علت نزدیک بودن ایران به استان‌ها در جهانی شیب ترك تحصیل دانش‌آموزان است.»

خرداد امسال، مدیرکل آموزش ابتدایی وزارت آموزش و پرورش از وجود حدود ۱۸۵ دانش‌آموز بازمانده از تحصیل و ۷۵۰ هزار دانش‌آموز تارك تحصیل در کشور خبر داد.

محمدحسین حسینی با اعلام این آمار افزود: «اگر به هر دلیلی بچه‌های ما مدرسه نیامدند یا با افت تحصیلی به مقاطع بالاتر رفتند و در مقابل، دانش‌آموزانی با هزینه‌های هنگفت به بالاترین کیفیت یادگیری دست یافتند، يك شکاف بسیار فاجعه‌بار ایجاد می‌شود که تبعات بسیاری به همراه خواهد داشت. همین شکاف و اختلاف است که می‌تواند سرچشمه بزه و فساد و غیره شود.»

آبان سال گذشته هم علیرضا کاظمی؛ سرپرست وزارت آموزش و پرورش در توضیح آمار بازماندگان و تارکان تحصیل اعلام کرد: «در حال حاضر آمارها نشان می‌دهد حدود ۲۱۰ هزار دانش‌آموز دوره ابتدایی و حدود ۷۶۰ هزار دانش‌آموز دوره متوسطه، تارك تحصیل داریم که این يك آسیب جدی است. در آموزش و پرورش با چالش‌های جدی روبه‌رو هستیم، یکی از مهم‌ترین چالش‌ها ترك تحصیل و بازماندن از تحصیل دانش‌آموزان در برخی مناطق است. در حال حاضر آمارها نشان می‌دهد حدود ۲۱۰ هزار دانش‌آموز دوره ابتدایی و در حدود ۷۶۰ هزار دانش‌آموز دوره متوسطه، تارك تحصیل داریم.»

هشدار درباره «ترك تحصیل»

۳۰ درصد دبیرستانی‌ها

يك جمعیت‌شناس با اشاره به آمار ۱۰،۵ میلیونی نوجوانان کشور، نسبت به ضرورت پوشش تحصیلی همگانی و اجباری ۱۵ تا ۱۸ ساله‌ها تا آخر

مقطع دبیرستان تاکید کرد و گفت: «۷۰ درصد نوجوانان دختر و ۷۰ درصد نوجوانان پسر ۱۵ تا ۱۸ ساله محصلند و ۳۰ درصد این جمعیت «رها» هستند. این يك مساله است و باید به پوشش تحصیلی در این رده سنی توجه کرد.»

شهلا کاظمی‌پور در گفت‌وگو با ایسنا، با استناد به آمارهای جمعیتی سال گذشته اظهار کرد: «در سال ۱۴۰۰ تعداد کل نوجوانان (۱۰ تا ۱۸ ساله‌ها)، ۱۰ میلیون و ۵۰۰ هزار نفر بوده که از این بین ۵ میلیون و ۳۰۰ هزار تن پسر و ۵ میلیون ۲۰۰ هزار نفر دختر هستند. طبق آمار سال گذشته، جمعیت پسران نوجوان ۱۰ تا ۱۴ ساله، ۳ میلیون و ۲۰۰ هزار نفر و پسران نوجوان ۱۵ تا ۱۸ ساله نیز ۲ میلیون و ۱۰۰ هزار نفر بوده است. سال گذشته جمعیت دختران ۱۰ تا ۱۴ ساله نیز ۳ میلیون و ۱۰۰ هزار نفر و دختران ۱۵ تا ۱۸ ساله ۲ میلیون و ۱۰۰ هزار نفر بوده است، طبق آمارهای موجود سال گذشته، ۹۴ درصد از پسران و ۹۵ درصد از دختران نوجوان ۱۰ تا ۱۴ ساله در مقطع ابتدایی و متوسطه اول محصل بوده‌اند. در خصوص نوجوانان ۱۵ تا ۱۸ ساله نیز حدوداً ۷۰ درصد دختران و ۷۰ درصد پسران محصل بوده‌اند.»

کاظمی‌پور ضریب اشتغال پسران نوجوان ۱۰ تا ۱۴ ساله را يك درصد، ضریب اشتغال دختران نوجوان ۱۰ تا ۱۴ ساله را نیم درصد، این ضریب را برای پسران ۱۵ تا ۱۸ ساله، ۱۶ درصد و برای دختران ۱۵ تا ۱۸ ساله ۳ درصد اعلام کرد.

این جمعیت‌شناس با بیان اینکه طبق آمارهای موجود مربوط به سال گذشته ۱،۲ درصد پسران ۱۰ تا ۱۴ ساله و حدوداً ۱،۴ درصد دختران ۱۰ تا ۱۴ ساله دارای همسر بوده‌اند، خاطر نشان کرد: «همچنین ۲،۲ درصد از پسران ۱۵ تا ۱۸ سال و ۲۱ درصد یا به تعبیر دیگر يك پنجم از دختران ۱۵ تا ۱۸ سال دارای همسر بوده‌اند.»

به گفته او، در سال گذشته حدود ۰،۲ درصد جمعیت پسران ۱۰ تا ۱۴ ساله و ۰،۲ درصد جمعیت دختران همین رده سنی بیکار بوده‌اند که این آمار برای پسران ۱۵ تا ۱۸ ساله ۲،۸ درصد و برای دختران ۱۵ تا ۱۸ ساله نیز ۴ درصد بوده است. همچنین این جمعیت بیکار یا به تعبیر دیگر در جست‌وجوی کار، محصل هم نبوده‌اند.

کاظمی‌پور درباره روند جمعیتی نوجوانان طی ۱۵ سال گذشته نیز تصریح کرد: «در سال ۸۵ جمعیت نوجوانان یعنی رده سنی ۱۰ تا ۱۸ سال ۱۳ میلیون و ۷۰۰ هزار نفر بوده‌اند، این جمعیت در سال ۹۰ به ۱۰ میلیون و حدود ۸۵۰ هزار نفر، در سال ۹۵ به ۹ میلیون و ۷۰۰ نفر، در سال گذشته یعنی سال ۱۴۰۰ به ۱۰ میلیون و ۵۰۰ هزار نفر رسیده است. پیش‌بینی‌های ما این است که جمعیت نوجوانان یعنی رده سنی ۱۰ تا ۱۸ سال تا سال ۱۴۰۵ به ۱۱ میلیون و ۶۰۰ هزار نفر برسد.»

او درباره پوشش تحصیلی سنین ۱۵ تا ۱۸ ساله‌ها هشدار داد و گفت: «در گروه سنی ۱۵ تا ۱۸ سال تنها ۷۰ درصد در حال تحصیل هستند. آمار ۷۰ درصدی محصل در این رده سنی بسیار پایین است. پوشش تحصیلی در دبیرستان حتما باید بالا برود. بخشی از این گروه سنی که تحصیل نمی‌کنند به علت مشکلات مالی و نیاز در حال اشتغالند و برخی بیکار و برخی دختران نیز ازدواج کرده‌اند. زمانی پوشش تحصیلی همگانی ما تا ابتدایی بود و پس از آن تا راهنمایی ادامه یافت اما پوشش همگانی تحصیلی تا متوسطه اول نباید باشد بلکه حتما باید پوشش همگانی و اجباری تحصیلی را تا آخر دبیرستان قرار دهیم. این خیلی اشکال دارد که فقط ۷۰ درصد این رده سنی مدرسه می‌روند و ۳۰ درصد آنها رها هستند.»

منبع: روزنامه اعتماد 10 آبان 1401 □□□□□□